

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس متون تاریخی و جغرافیایی

مرتضی عطایی¹، جواد نیستانی^{2*}، سیدمهدی موسوی کوهپر³، سیدرسول موسوی حاجی⁴

(تاریخ دریافت: 92/11/20، تاریخ پذیرش: 93/8/7)

چکیده

در نزدیکی روستای بندقیر در اسکان خوزستان بازمانده‌های شهر تاریخی عسکر مکرّم هنوز به شکل پشته‌های متعدد بر دوسوی رودخانه‌ی گرگر خودنمایی می‌کند. براساس منابع تاریخی و جغرافیایی، این شهر در نیمه‌ی دوم سده‌ی نخست ه. ق در پی گسترش تدریجی محل اردوی نظامی مکرّم بن مطرف و یا مکرّم فرز غلام حجاج بن یوسف ثقفی در محل قریه یا شهر کوچکی از دوران ساسانی با نام رستقباد بنا نهاده شد و از همین‌رو عسکر مکرّم نامیده شد. این شهر، رفته‌رفته بردو کرانه‌ی رود مسرقان گسترش یافت و به‌عنوان مرکز کوره‌ای با همین نام و در مقام یکی از مهم‌ترین شهرهای خوزستان در دوران اسلامی مطرح شد؛ تا آنجاکه نویسندگان مختلف در سده‌ی چهارم هجری و پس از آن از رونق کشاورزی، تجارت، صنعت و علم کلام در عسکر مکرّم سخن گفته‌اند. موقعیت ویژه‌ی راهبردی و نظامی این شهر بر سر راه عراق و

1. دانشجوی دکتری، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

* jneyestani@modares.ac.ir

2. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

3. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

4. دانشیار، گروه باستان‌شناسی، دانشگاه مازندران، ایران.

خوزستان به فارس و لرستان که پیش از تأسیس شهر نیز مورد توجه بوده و مهم‌ترین دلیل ایجاد هسته‌ی نخستین عسکر مکرّم نیز به‌شمار می‌رفت، اهمیت این شهر را دوچندان می‌ساخت. به‌نظر می‌رسد که با افول سیستم آبیاری نهر مسرقان و فروپاشی اقتصاد کشاورزی منطقه در اواخر سده‌های میانی اسلامی، از اهمیت عسکر مکرّم کاسته‌شده و احتمالاً در سده‌ی نه هجری قمری شهر به‌کلی، متروک شده باشد. در این نوشتار کوشش شده تا با واکافی متون تاریخی و جغرافیایی و هم‌سنجی مطالب، تصویری جامع از این شهر دوران اسلامی ارائه شود.

واژگان کلیدی: عسکر مکرّم، خوزستان، رُستقباد، جغرافیای تاریخی، شهرسازی.

مقدمه

شهر عسکر مکرّم به‌عنوان مرکز کوره‌ای با همین نام، در نیمه‌ی شمالی جلگه‌ی خوزستان و بر دوسوی نهر مَسْرُقَان (گرگر امروزمین)، بالاتر از جایی که این نهر به شاخه‌ی اصلی رود کارون می‌پیوندد، قرار داشته است (Bosworth, 1987: 768; Streck & Lockhart, 1986: 711). بقایای این محوطه‌ی بسیار بزرگ امروزه درحد فاصل جاده‌ی شوشتر- اهواز و رود گرگر و نیز در جانب شرقی این رود به‌شکل پشته‌های متعدد خودنمایی می‌کند. عسکر مکرّم به‌همراه شوشتر (تستر)، رامهرمز، شوش، جندی‌شاپور و دورقاز از مهم‌ترین شهرهای خوزستان با مرکزیت سوق‌الاهواز بوده است. کثرت اشاره‌های مورخان و جغرافیانگاران دوران اسلامی، به‌ویژه نویسندگان سده‌های نخستین اسلامی، نشان می‌دهد که این شهر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای سده‌های اولیه و میانی اسلامی در جنوب‌غرب ایران تاچه‌حد اهمیت و اشتهار، دارد. با این حال تاکنون پژوهش‌های روشمند و منسجم اندکی درباب جغرافیای تاریخی این شهر مهم دوران اسلامی انجام شده است. فعالیت‌های باستان‌شناسی در این محوطه‌ی عظیم نیز وضعیتی مشابه داشته و به بررسی‌های مختصر و نیز تعیین حریم بخش غربی محوطه محدود می‌شود.¹ این درحالی است که باتوجه به کمبود فعالیت‌های باستان‌شناختی دوران اسلامی در خوزستان به‌دلیل تمرکز بر دوران پیش از تاریخ و تاریخی منطقه، مطالعه و پژوهش درباره‌ی این شهر بزرگ به‌منظور شناخت هرچه بیشتر تاریخ و باستان‌شناسی دوران اسلامی خوزستان، اهمیتی دوچندان می‌یابد.

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس... _____ مرتضی عطایی و همکاران

در این نوشتار، کوشش می‌شود تا با کمک متون تاریخی و جغرافیایی، بنیاد و پیشینه، شهرسازی، تجارت، کشاورزی، تاریخ و علل فروپاشی و به‌طور کلی، سیمای عمومی این شهر بزرگ بازسازی و ارایه شود.

بنیاد شهر عسکر مکرّم

منابع تاریخی درباب بنیاد شهر عسکر مکرّم روایات متفاوتی مطرح می‌کنند. بلاذری در این باره دو گزارش ناهمگون آورده است. نخست، وی شهر را به مکرّم بن مطرف نسبت داده که پس از کشته شدن پدرش، مطرف بن سیدان باهلی (فرماندهی شرطه‌ی مصعب بن زبیر والی عراق)، توسط عبیدالله بن زیاد بن ظبیان، از سوی مصعب به تعقیب وی فرستاده شده بود و شهر عسکر مکرّم را جایگاه لشکر و اردوی مکرّم بن مطرف می‌داند (بلاذری، 1337، ج 2: 533-4). طبری (1375، ج 8: 3468) و ابن اثیر (1371، ج 12: 227) نیز مشابه همین روایت را بازگو می‌کنند و نویسنده‌ی آفرینش و تاریخ (البدء و التاریخ) نیز بنای شهر را با لشکرگاه مکرّم بن مطرف بن [مطرف] لخمی مرتبط می‌داند (مقدسی، 1350، ج 4: 84). براین اساس و باتوجه به تاریخ مرگ مصعب به سال 71 یا 72 هجری (ابن اثیر، 1371، ج 12: 220، طبری، 1375، ج 8: 3470-3469)، لشکرکشی مکرّم و به‌تبع آن بنای شهر را باید مربوط به زمانی پیش از این تاریخ دانست.

بلاذری (1337: 534) در روایتی دیگر اما مشهورتر و متواتر، این شهر را به مکرّم بن فزر نسبت داده است (نیز نک: قدامه بن جعفر، 1981: 386، ابن فقیه، 1416: 400؛ قزوینی، 1371، ج 1: 228). در این میان مقدسی (1411: 409) و یاقوت حموی (1995، ج 4: 123) از مکرّم به‌عنوان غلام حجاج بن یوسف یاد می‌کنند. باتوجه به این شرح، قدیمی‌ترین تاریخی که برای اردوی سپاه مکرّم در این مکان و به‌تبع آن، آغاز بنای شهر جدید می‌توان در نظر گرفت، زمانی است میان سال 75 هـ. یعنی سالی که حجاج بن یوسف از سوی عبدالملک بن مروان به ولایت عراق گمارده شد (طبری، 1375، ج 8: 3519) و مرگ حجاج بن یوسف که به سال نود و پنج هجری قمری رخ داده است (طبری، 1375، ج 9: 3880). در این میان، تنها منبعی که در ارتباط با بنیاد و وجه تسمیه‌ی عسکر مکرّم روایت متفاوت و افسانه‌گونه‌ای را بیان می‌کند،

نزهت‌القلوب حمدالله مستوفی است. وی نام اولیه‌ی شهر را «لشکر» خوانده و بنای شهر را به لشکریان طهمورث دیوبند منتسب می‌سازد و بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به داستان اردوی لشکریان مکرّم، شهر «لشکر» تجدید بنا شده توسط شاپور ذوالاکتاف را «بورج شاپور» می‌خواند (مستوفی، 1362: 112).

درعین‌حال، در خلال یک روایت و نیز خطبه‌ای منسوب به حضرت علی(ع) که در بخشی از آن‌ها به ذکر شمار، نام و موطن یاران حضرت مهدی(عج) پرداخته شده، از عسکر مکرّم سخن به میان آمده است. به روایت ابن طاووس (متوفی 664 ق.) که سرسلسله‌ی روایت آن به اصغبن نباته می‌رسد، یکتن از یاران حضرت مهدی(عج) به عسکر مکرّم منسوب شده است (ابن طاووس، 1416: 288-9). همچنین در خطبه‌ای منسوب به امام علی(ع) و موسوم به خطبه‌ی البیان، دو تن از اهالی عسکر مکرّم با نام‌های طیب و میمون در زمره‌ی یاران امام غایب بر شمرده شده‌اند (یزدی حائری، 1422، ج 2: 166). اگرچه پذیرش این روایات می‌تواند تاریخ بنیاد عسکر مکرّم را به پیش از سال 40 هجری - سال شهادت امام علی(ع) - بازگرداند، لیکن سستی سند این روایات به‌ویژه در ارتباط با خطبه‌ی البیان (صدر، 1384: 245-6) و تردید فراوان در انتساب آن به امام علی(ع) (صادقی، 1383: 57-67) و نیز تناقض این تاریخ ساخت با مطالب تاریخی و جغرافیایی، امکان استفاده از این روایات برای شناخت تاریخ بنیاد عسکر مکرّم را با تردید جدی مواجه می‌سازد.

با وجود تأکید آشکار منابع بر ساخت شهر عسکر مکرّم در دوره‌ی اسلامی، بسیاری از منابع مذکور از وجود قریه یا قصبه‌ی کوچکی در این مکان خبر می‌دهند که لشکریان مکرّم در نزدیکی آن اردو زده و هسته‌ی اولیه‌ی عسکر مکرّم پس از گسترش تدریجی به آن پیوسته است. به‌نوشته‌ی بلاذری (1337: 534-5) «گویند نزدیک لشکرگاه مکرّم، قریه‌ای کهن بود که بعداً بنای لشکرگاه به آن متصل شد و همچنان بر آن می‌افزودند تا بزرگ شد و آن‌جمله را لشکرگاه مکرّم می‌نامیدند که امروزه شهر جامعی است». به‌رغم نقل این موضوع در دیگر منابع، هیچ یک به نام قریه‌ی مذکور اشاره‌ای نداشته‌اند (برای نمونه نک: قدامه بن جعفر، 1981: 326؛ مهلبی، 2006: 123؛ انصاری دمشقی، 1382: 281). تنها منبعی که به‌شکل روشن نام مکان مذکور را (نه به‌عنوان قریه که به‌عنوان شهر) ذکر می‌کند معجم‌البلدان یاقوت حموی (1995، ج 4: 123) است در آن به نقل از حمزه اصفهانی آورده است: «سُتْقَبَادُ تعریب رستم

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس... _____ مرتضی عطایی و همکاران

کواد [رستم قباد]، اسم شهری است از شهرهای خوزستان که اعراب آن را در صدر اسلام خراب کردند، سپس در نزدیکی آن شهری بوجود آمد که لشکرگاه مکرّم بن معزّاء الحارث، غلام حجاج بن یوسف بود...». حمزه‌ی اصفهانی خود نیز در کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء، بدون اشاره به نام عسکر مکرّم، از شهری به نام رستم کواد یا رسیقباد یاد می‌کند که در پی جنگ‌های حجاج بن یوسف خراب شد (حمزه‌ی اصفهانی، 1961: 39). از دیگر ضبط‌های این نام، رستقباد، روستقباد، رستقباد، روشنقباد و رستم گواذ (= رستم قباد) است (محمّدی ملایری، 1379: 280). این نام در فارسنامه‌ی ناصری با عنوان رستاق آباد نیز آمده است (حسینی فسایی، 1382، ج 1: 188).

روایات تاریخی نشان می‌دهند که محل رستقباد به دلیل موقعیت ویژه در میانه‌ی جلگه‌ی خوزستان و بودن برسر راه عراق به فارس، در سده‌ی نخست اسلامی و به ویژه در زمان حجاج بن یوسف ثقفی، بارها محل اردوهای نظامی بوده است. جنگ نافع بن ازرق، سرکرده‌ی خوارج ازرقه، با مسلم بن عبیس به سال 65 هجری (یا قوت حموی، 1995، ج 2: 455، ج 3: 43؛ طبری، 1375، ج 7: 3255 - 56)، جنگ حجاج بن یوسف با عبدالله بن جاورد در سال 75 هـ. ق (طبری، 1375، ج 8: 3524 - 26)، اردوی سپاه حجاج بن یوسف برای نبرد با ابن اشعث که در شوشتر جای گرفته بود به سال 81 هجری قمری (طبری، 1375، ج 8: 3686) و اردوی دیگر سپاهیان حجاج در سال 90 هـ. ق به منظور جنگ با کردان استیلا یافته بر سرزمین فارس (همان، ج 9: 3829 - 30)، جملگی، وقایعی هستند که در نیمه‌ی دوم سده‌ی نخست هجری در رستقباد رخ داده است؛ اما واپسین واقعه‌ی رخ داده در رستقباد به سال 90 هجری قمری، می‌تواند ما را به تاریخ واقعی بنیاد شهر عسکر مکرّم رهنمون سازد. در این سال، حجاج به منظور جنگ با کردان که بر بیشتر سرزمین فارس چهره شده و در کوه‌های اهواز (خوزستان) سربه عصیان گذاشته بودند، با سپاهیان در رستقباد یا به قولی رستقباد اردو زده و بر گرداگرد ایشان خندق‌ی ایجاد کرد. اشاره‌ی بلاذری مبنی بر تحرکات کردها در کوه‌های اهواز (خوزستان) و تلاش حجاج برای سرکوب آنان در همین ارتباط است (بلاذری، 1417، ج 8: 281). به نظر می‌رسد که این درگیری‌ها مدتی ادامه داشته و حجاج، لشکر خویش را پی‌درپی برای دفع کردان، روانه می‌کرده است (تتوی و قزوینی، 1382، ج 2: 1087). آگاهی که ناحیه‌ی ایزد (ایذج) در شمال شرقی خوزستان، تنها بخش کوهستانی این خطه به شمار می‌رود.

آن‌چنان‌که پیشتر اشاره شد، بیشتر منابع تاریخی درباره‌ی بنیاد عسکر مکرّم، از اردوی لشکریان مکرّم غلام یا فرماندهی لشکر حجاج بن یوسف، برای سرکوبی خرزاد بن باس که سر به عصیان برداشته و در ایذج به حصار نشسته بود، سخن رانده‌اند. با این تفاسیر، به احتمال بسیار زیاد می‌توان لشکرکشی مکرّم به خوزستان و به تبع آن، سنگ بنای شهر جدید عسکر مکرّم را مربوط به واقعه‌ی سرکوب کردن به سال نود هجری قمری یا اندکی پس از آن دانست؛ اما بی‌شک این تاریخ از سال 95 هـ. ق یعنی سال مرگ حجاج بن یوسف فراتر نمی‌رود.

کوره‌ی عسکر مکرّم

منابع مکتوب از حدود و شهرهای این کوره، اطلاعات زیادی به دست نمی‌دهند و اطلاعات کمی هم که هست محدود به نوشته‌های مقدسی است. وی، رستاق مسرقان را متعلق به کوره‌ی عسکر مکرّم دانسته و شهرهای این کوره را جوبک، زیدان، سوق‌الثلاثاء (سه‌شنبه بازار)، حبک، ذوقرطم، برجان و خان طوق برمی‌شمارد. بازار عسکر در روزهای جمعه برقرار بوده و از آنجا تا خان طوق، برای هرروز، بازاری در یک شهر و به نام همان‌روز برقرار می‌شده است (مقدسی، 1411: 405-6). نام شهر سوق‌الثلاثاء نیز گواهی بر وجود این بازار هفتگی در کوره‌ی عسکر مکرّم است. با توجه به آنکه مقدسی، انضمام خان طوق به کوره‌ی اهواز را صحیح‌تر دانسته (همان: 410) و در مواردی این شهر را جزء کوره‌ی اهواز ذکر کرده است (همان: 52) می‌توان محل این شهر را در نزدیکی مرز کوره‌های نام‌برده دانست. سه رودخانه‌ای که به گفته‌ی مقدسی از اطراف و میانه‌ی کوره‌ی عسکر مکرّم می‌گذشته‌اند (همان: 406) بی‌تردید همان رودهای مسرقان، شوستر (شطیط) و جندیشاپور (دز) است. از نهر دیگری با نام «جزء» نیز در نزدیکی عسکر مکرّم نام برده شده (ابن عبدالحق بغدادی، 1412: ج 1: 330) که توسط جزء پسر معاویه تمیمی که از طرف خلیفه‌ی دوم بر بعضی از بخش‌های اهواز ولایت یافته بود، ایجاد گردیده بود (یاقوت حموی، 1995، ج 2: 132). وی در طی دوران حکومتش، در کار آبادانی ولایت تحت امرش بسیار کوشیده است (طبری، 1375، ج 5: 1888).

شهرسازی و بناهای شهر عسکر مکرّم

منابع تاریخی اطلاعات چندانی از ویژگی‌های شهرسازی عسکر مکرّم ارائه نمی‌دهند. می‌دانیم که رود کارون در شمال شهر شوشتر به دو شاخه تقسیم می‌شود. شاخه‌ی غربی که امروزه چهاردانگه، شطیپ و یا کارون نامیده می‌شود، همان رودی است که از ورای عسکر مکرّم می‌گذرد (ابن حوقل، 1938، ج 2: 252؛ حمیری، 1984: 225) و جغرافیانگاران، آن را رود شوشتر و یا تستر می‌نامند (حدودالعالم، 1362: 45). اما شاخه‌ی شرقی که امروزه گرگر یا دودانگه خوانده شده و در گذشته مسرقان نامیده می‌شد، همان شاخه‌ای است که بنابر متون، از میان شهر عسکر مکرّم می‌گذشته و آن را به دویخش خاوری و باختری تقسیم می‌کرده است (اصطخری، 2004: 89؛ مخبر، 1331). بدین‌سان عسکر مکرّم به‌شکل شهری ساحلی بر دو کرانه‌ی رود مسرقان گسترش یافت. به نوشته‌ی مقدسی (1411: 410) درباره‌ی بخش‌های غربی و شرقی شهر که بر کرانه‌های رود مسرقان قرار داشته می‌نویسد: «شهر بر دو کرانه است، آنچه در سمت عراق بود آبادتر است، جامع و بیشتر بازارها نیز در آن است». بقایای کوره‌های متعدد، ضایعات سفال و جوش کوره، که نشان از قرارگیری بخش صنعتی شهر در کرانه‌ی شرقی شهر دارند نیز آبادی بیشتر بخش غربی شهر را توجیه می‌کند. در مکان‌گزینی بخش صنعتی، بادهای غالب منطقه با جهت غربی - شرقی و یا شمال‌غربی - جنوب‌شرقی (جلیزای و دیگران، 1388: 5؛ یمانی و کرمی، 1389: 31) مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ به‌گونه‌ای که بخش اصلی شهر از آلودگی‌ها و دود ناشی از تولیدات صنعتی مصون می‌مانده است. موضوعی که در طراحی بسیاری از شهرهای اسلامی همچون مکان‌گزینی تل اسود به‌عنوان منطقه‌ی صنعتی، در منتهای شمال‌شرقی رقه - رفیقا، در نظر گرفته شده است (Milwright, 2010: 147).

مقدسی (1411: 410) همچنین درباره‌ی ارتباط میان دویخش شهر می‌نویسد: «میان دو کرانه را دو پل متشکل از کشتی‌ها به هم می‌رساند». اصطخری (2004: 89) در توصیف یکی از این پل‌ها آورده است: «... و به عسکر مکرّم پلی است برین جوی متشکل از بیست کشتی و کشتی‌های بزرگ در آن حرکت می‌کنند». در یکی از نسخ کتاب صورالارضابن حوقل، افزون بر اشاره به پل مذکور که از بیست کشتی تشکیل شده بود، از پلی مستحکم و بزرگ یاد شده که با گچ و آجر در میانه‌ی شهر عسکر مکرّم بر روی نهر مسرقان ساخته شده بود و بر روی آن

بازار، مغازه‌ها و مسجدی پاکیزه قرار داشت (ابن حوقل، 1938، ج 2: 253). با این حال، کرامرز در مقدمه‌ی خود بر کتاب مذکور، این توصیف را افزوده‌ای مربوط به قرن ششم دانسته و آن را ناشی از اشتباه و تداخلی با شادروان مشهورتر شوشتر قلمداد می‌کند (Pyne, 1982: 366). برای اشاره به پل‌های عسکر مکرّم، در تمامی نوشته‌های عربی (به‌غیر از اشاره‌ی ابن حوقل به پل آجری عسکر مکرّم) واژه‌ی «جسر» به‌کار رفته است. این واژه در منابع تاریخی، بیشتر به پل‌های موقتی شناور بر کشتی‌ها یا قایق‌های بزرگ در مقابل واژه‌ی «قنطرة» برای پل‌های مستحکم و ثابت ساخته‌شده از مصالحی چون سنگ و آجر به‌کار رفته است (نک. صفری آق‌قلعه، 1388). در هر حال، بقایای دو پایه‌ی پل آجری، امروزه بر دو کرانه رودخانه را می‌توان دید که می‌توانسته به‌عنوان پایه‌های اصلی دو پل متشکل از کشتی‌ها به‌کار رود (شکل‌های 1 و 2). به‌دلیل وضعیت اقلیمی و نیز دسترسی نداشتن به سنگ در منطقه، آجر یکی از مهم‌ترین مصالح معماری عسکر مکرّم به‌شمار می‌رفته است. احتمالاً از قیر و نفت سیاه که در این شهر به‌شکل طبیعی در دسترس بود (انصاری دمشقی، 1382: 175) نیز در ساخت و آب‌بندی سازه‌های آبی استفاده شده باشد؛ وجه تسمیه‌ی بند قیر در نزدیکی عسکر مکرّم نیز می‌تواند نشان‌دهنده‌ی همین امر باشد.

از مواضع این شهر می‌توان نام چندین جایگاه را بازشناخت: نخست محله‌ای است به‌نام ساباط ابی‌نوح که شخصی به نام عبداللّه بن میمون قداح، از بزرگان اسماعیلیه، در آنجا ساکن شده و به تبلیغ آرای اسماعیلیه پرداخته بود (Halm, 1996: 6; Id., 1982: 182). گویا پس از گریختن وی از عسکر مکرّم به‌دلیل فشار مخالفان، دو خانه‌ی وی در محله‌ی ساباط ابی‌نوح درهم کوبیده شده، به‌جای یکی مسجدی بنا شد و دیگری دست‌کم تا نیمه‌ی سده‌ی چهارم هجری یعنی زمان ابن رزام (Daftary, 2008^a: 172) که ابن ندیم، احوال عبدالله میمون را از وی نقل کرده، به‌شکل ویرانه‌ای باقی بوده است (ابن ندیم، 1381، ج 1: 349). در شرح جنگ یاقوت با ابوعبدالله بریدی به سال 324 هجری قمری که به قتل یاقوت انجامید نیز از چندین محل با نام‌های «ناعورة السبیل»، «نهر جارود» و «رباط حسین بن زیاد» یا «رباط حسین بن زیاد» سخن رفته است (ابن مسکویه، 1379، ج 5: 439-438؛ همدانی، 1958: 97) اما اینکه این مواضع در خود شهر عسکر مکرّم قرار داشته‌اند یا در حومه‌ی آن، چندان روشن نیست. ممکن است

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس... _____ مرتضی عطایی و همکاران

رباط مذکور همان خان (کاروانسرا) مورد اشاره‌ی تنوخی (متوفی 384) واقع در بخش شرقی شهر باشد (تنوخی، 1975، ج 4: 160).

محل دیگر بنایی است به نام «سرای ملک» که نویسنده‌ی *مجمّل التواریخ والقصص*، تنها اشاره‌ی کوتاهی به این بنا در عسکر مکرّم داشته و آن را به ملک باکالنجار (ابوکالیجار، حک. 435-440 ق.) پسر سلطان الدوله و زمان استیلای او بر خوزستان منسوب می‌کند (*مجمّل التواریخ والقصص*، 1378: 311). گویا هنوز اثری از این بنا در زمان تألیف کتاب (سده ششم هجری قمری) موجود بوده است.

موقعیت ویژه راهبردی و نظامی عسکر مکرّم

وقایع نظامی و اردوهای لشکری متعدد در عسکر مکرّم از موقعیت ویژه نظامی این شهر را نشان می‌دهد؛ موقعیتی راهبردی که به دلیل قرارگیری در مسیر راه‌های عراق و خوزستان به فارس (ابن مسکویه، 1379، ج 5: 476 رجبی، 1371: 210) و کوه‌های لرستان، ایجاد شده بود. این شرایط ممتاز باتوجه به جایگاه این شهر در میان دو رود شوشتر و مسرقان ارتقا می‌یافت. با واشکافی وقایع تاریخی درمی‌یابیم که همین موضوع، سبب شده تا این شهر، به‌دفعات در طی سده‌های مختلف، محل اردوی لشکریان با اهداف مختلفی چون آماده‌سازی، تجهیز و تأمین لشکر، عقب‌نشینی و یا تجدیدقوا قرار گیرد؛ برای نمونه در سال صد و نود و ششم هجری قمری، محمدبن یزید مهلبی که از سوی محمدبن هارون، عامل اهواز بود، برای جلوگیری از بخشی از سپاه طاهر ذوالیمینین از سرداران مأمون، همراه با لشکریانش در عسکر مکرّم اردو زد که درنهایت، بدون جنگ در این مکان به سوی اهواز عقب نشست (طبری، 1375، ج 12: 5488-89). یعقوب لیث صفاری نیز در هنگام لشکرکشی به عراق در سال 262 هجری قمری، مدتی با لشکر خود در عسکر مکرّم فرود آمده و از آنجا به مکتبه با معتمد عباسی پرداخت و خواسته‌های خویش را مطرح ساخت (ابن اثیر، 1371، ج 18: 142-3؛ باستانی پاریزی، 1383: 397). برخی از وقایع تاریخی نیز بر چگونگی تاکتیک دفاعی در عسکر مکرّم از طریق بریدن پل مسرقان و سنگ‌گرفتن در بخش غربی شهر در پشت نهر مسرقان اشاراتی دارند؛ برای نمونه ابن مسکویه ذیل وقایع سال 324 هجری قمری از

پناه‌گرفتن سپاهیان یاقوت در بخش غربی عسکر مکرّم و بریدن پل مسرقان پس از شکست در مقابل سپاه علی بن بویه در رامهرمز خبر می‌دهد (ابن مسکویه، 1379، ج 5: 430؛ ازدی، 1427، ج 2: 249). با این حال در برخی کتب تاریخی، اشاراتی به چشم می‌خورد که بر ضعف استحکامات دفاعی عسکر مکرّم نسبت به دو شهر شوشتر و اهواز دلالت دارد؛ به‌عنوان مثال در سال 443 هجری قمری، ملک رحیم پسر ابوکالنجار که در عسکر مکرّم فرود آمده بود و عده‌ای از سپاهیان از وی جدا شده بودند، تصمیم می‌گیرد که از عسکر مکرّم به اهواز نقل مکان کند؛ زیرا آنجا را مستحکم‌تر می‌داند (ابن اثیر، 1371، ج 22: 278-9). بریدی نیز به سال 324 هجری قمری از یاقوت می‌خواهد که از عسکر مکرّم به سمت شوشتر رفته و در آنجا ساکن شود؛ زیرا «آن شهر دارای برج و بارو و حصار قوی است» (ابن اثیر، 1371، ج 20: 42. نیز: ابن‌خلدون، 1363، ج 2: 619). در عکس‌های هوایی و نیز بررسی‌های سطحی عسکر مکرّم (مقدم، 1384: 101) تاکنون اثری از برج و باروی پیوسته و مستحکم شناخته نشده و به‌نظر می‌رسد که تنها حصار طبیعی آبی، سپر دفاعی شهر را تشکیل می‌داده است؛ سپری که در برخی مواقع آسیب‌پذیر و قابل عبور نیز بوده است. آن‌چنان‌که ابن‌مسکویه به واقعه‌ای اشاره می‌کند که احمد بن بویه با یک قایق کوچک (سمیریه) به‌همراه پنج تن از نزدیکان خود در مشرعی (آبشخور) حناس فرود آمده و با فراری دادن نگهبانان آن محل و انتقال افراد خود بدانجا، زمینه‌ی تسخیر شهر را فراهم کرد (ابن‌مسکویه، 1379، ج 5: 472).

تجارت، صنعت و کشاورزی

به نوشته‌ی مقدسی (1411: 409-10) عسکر مکرّم در طی سده‌ی چهارم هجری شهری آباد بوده است. وی از مقنعه‌های ابریشمی نام برده که در عسکر مکرّم تولید و به بغداد فرستاده می‌شدند و پارچه‌های نیکو و بادوام، پوشاک قنبری (کتانی) و دستمال و کلاه‌های مشابه را از دیگر تولیدات عسکر مکرّم می‌داند (همان: 416). طوسی نیز از ابریشم و دیباج‌های نیکوی عسکر مکرّم سخن گفته است (1345: 251). گویا دیگر شهرهای اطراف که بر کنار نهرها واقع بوده‌اند، نیز کارگاه بافندگی داشته‌اند (مقدسی، 1411: 410). حمیری (متوفی 573 هـ. ق) به‌غیر از سایر صنعتگران، از وجود هزار بافنده در کوره‌ی عسکر مکرّم سخن به‌میان می‌آورد

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس... _____ مرتضی عطایی و همکاران

(1972: 212). درستیِ ترازوی کسبه‌ی عسکر مکرّم مشهور بوده (مقدسی، 1411: 34، 416) و بنابر گفته‌ی ابن حوقل (1938، ج 2: 254-55) در «اوزانِ هیچ نقطه‌ای، حبه به چهار جزء تقسیم نشده جز در عسکر مکرّم که به هریک از اجزاء تومنّه می‌گفتند».

کشت نیشکر نیز در عسکر مکرّم و حوالی آن رونق فراوان داشته است (حدودالعالم، 1362: 138). درواقع، عسکر مکرّم در کنار شوش و شوشتر، از مهم‌ترین مراکز تهیه‌ی شکر در سده‌های میانی بوده است (McNair, 1927: 6) به‌گونه‌ای که شکر آن را از لحاظ کمی و کیفی بی‌نظیر خوانده‌اند (ابن الوردی، 2008: 369) و بنا بر گزارش ثعالبی (متوفی 429 ق.)، علاوه بر خراج معمول خوزستان، پنجاه هزار رطل از شکر عسکر مکرّم نیز به حکومت وقت پرداخت می‌شده است (ثعالبی، 1867: 107). باید توجه داشت که این میزان بالای تولید شکر، به کوره‌ی عسکر مکرّم مربوط می‌شده و چنانکه برخی از جغرافیانگاران اشاره کرده‌اند، شهر عسکر مکرّم در تولید شکر سهم کمی داشته است. درواقع، بیشترین میزان تولید شکر در خوزستان مربوط به مسرفان بوده که به‌طور کامل به شهر عسکر مکرّم منتقل می‌شده است (اصطخری، 2004: 91؛ یاقوت حموی، 1995، ج 2: 405). افزون بر نیشکر، از نارنج نیز به‌عنوان یکی از محصولات عسکر مکرّم یاد شده است (طوسی، 1345: 251).

سکه‌های عسکر مکرّم

دارالضرب عسکر مکرّم در دوران اسلامی بسیار فعال بوده است. قدیمی‌ترین سکه‌های این شهر مربوط به 289 هجری قمری و دوران خلافت مکتفی عباسی است؛ اما بیشترین شمار سکه‌های این دارالضرب، مربوط به دوره‌ی آل‌بویه و از جنس نقره بوده که نشان‌دهنده‌ی موقعیت سیاسی و اداری ممتاز آن است (نک. Pyne, 1982: 300-313, Table. عقیلی، 1377: 264-265). نام ضرابخانه بر روی سکه‌های این دوران، گاه عسکر مکرّم، گاه عسکر من‌الاهواز و در برخی موارد العسکر آمده است (Pyne, 1982: 229; Miles, 2007: 375; Codrington, 1904: 171; Lane-Poole, 1876: 202؛ سرفراز و آورزمانی، 1383: 197).

در دوران سلجوقی با محدودشدن تعداد ضرابخانه‌ها و افزایش چشمگیر نسبت ضرب سکه‌های طلا به نقره (Pyne, 1982: 223؛ سرفراز و آورزمانی، 1383: 210)، تعداد سکه‌های

ضرب عسکر مکرّم، به شدت کاهش یافت. با این حال، سکه‌های طلای ضرب عسکر مکرّم مربوط به سال‌های 516 (Baldwins Islamic coin action 12, 2007: no.3592) و 548 هـ. ق (Album, 2013: 44, no. 540)، تداوم موقعیت ویژه‌ی سیاسی - اقتصادی این شهر در دوران سلجوقی را نشان می‌دهد (شکل‌های 3 و 4).

سکه‌های معدودی نیز در دوران آل جلائر در این شهر ضرب شده‌اند. این سکه‌ها که از منظر تعیین تاریخ افول عسکر مکرّم اهمیت بسزایی دارند، با تاریخ‌های 772 (Wilkes, 2010: 135435, no. 198; Album, 2012: 17, no. 135435) و 777 هـ. ق (Album, 2008: 10, no. 69511)، به ترتیب به نام‌های شیخ اویس (حک. 776-775 هـ.ق) و سلطان حسین اول (حک. 776-784 هـ.ق) ضرب شده‌اند (شکل 5).

فرق مذهبی و رجال

بنابر متون تاریخی و جغرافیایی، بخش زیادی از مردم خوزستان پیرو عقاید اعتزالی بوده‌اند و معتزله از نظر جمعیت بر سایر نحل و فرق برتری داشته‌است (ابن حوقل، 1938، ج 2: 254). مقدسی در نیمه‌ی قرن 4 هـ.ق بیشتر مردم خوزستان و تمامی اهالی عسکر مکرّم را معتزلی دانسته است (مقدسی، 1411: 415). ابوعلی جبائی (متوفی 303 هـ.ق) از جمله بزرگان و شیوخ معتزله، اگرچه متولد و مدفون در جیبی خوزستان بوده (سمعانی، 1382، ج 3: 187-186؛ زرکلی، 1989، ج 6: 256؛ ابن کثیر، 1407، ج 11: 125)، سال‌های زیادی از زندگی خویش را در عسکر مکرّم سپری کرده و به درس و بحث درباره‌ی آرا و عقاید معتزله پرداخته است (Schmidtke, 2008: 666; Heemskerck, 2000: 20). وی پس از مرگ، علی‌رغم وصیایش برای خاک‌سپاری در عسکر مکرّم، در جیبی به خاک سپرده شد (ابن ندیم، 1381: 319). گویا گرایش ساکنان کوره‌ی عسکر مکرّم به اعتزال، دست‌کم تا سده‌ی ششم ادامه داشته؛ زیرا ابوسعید بن نشوان حمیری (متوفی 573 هـ.ق) نیز تمامی مردم کوره‌ی عسکر مکرّم را معتزلی دانسته است (حمیری، 1972: 212). فرقه‌ی حماریه، که شاخه‌ای از معتزله به‌شمار می‌آمدند، بیشتر در عسکر مکرّم ساکن بوده‌اند. پیروان این فرقه که از سوی دانشمندان حوزه فرق و مذاهب اسلامی در زمره فرق هفده‌گانه بدعت‌گذار و خارج از دایره اسلام به‌شمار می‌آید به تناسخ،

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس... _____ مرتضی عطایی و همکاران

اختیار انسان، عدم آفرینش شراب توسط پروردگار و نیز توانایی انسان به خلق برخی از موجودات باور داشتند (سفراینی، 1419: 117؛ بغدادی، 1408: 262-261؛ همو، 1992: 118-117؛ مشکور، 1372: 166-165).

افزون بر مقدسی، یاقوت حموی نیز از تعدد علما و دانشمندان منسوب به عسکر مکرّم سخن گفته و دوتن از ادبا به نام‌های ابواحمد حسن پسر عبدالله عسکری و شاگرد وی ابوهلال حسن پسر عبدالله عسکری را بدین شهر منتسب می‌سازد (یاقوت حموی، 1362: 133). درواقع، پسوند «عسکری» نسبتی مکانی است که انتساب به شهر عسکر مکرّم مشهورترین آن است (سمعانی، 1382، ج 7: 297؛ ابن اثیر، 1414، ج 2: 340). حسن بن عبدالله بن سعید العسکری با کنیه‌ی ابواحمد، صاحب تصنیفات بسیار در لغت و امثال و موضوعات دیگر است که به سال 382 یا 387 هجری قمری وفات یافت (زرکلی، 1989، ج 2: 196؛ اعتمادالسلطنه، 1367، ج 1: 289 امین، 1406، ج 3: 331). گویا او هم مانند بسیاری از دانشمندان عسکر مکرّم در این دوره، به معتزله متمایل بوده است (ابن جوزی، 1412: 387). ابوهلال عسکری (متوفی بعد از 395 هجری قمری)، شاگرد و خواهرزاده‌ی ابواحمد عسکری نیز از ادبا و نویسندگان بزرگ عصر خود بوده است (زرکلی، 1989، ج 2: 196). به نظر می‌رسد که وی تمامی یا بیشتر زندگی خویش را در عسکر مکرّم سپری کرده باشد (Azarnoosh & Negahban, 2009: 144; Watt, 1987: 768) از دیگر علمای نحو و لغت منسوب به این شهر می‌توان به احمد بن محمد ابن هارون، صاحب کتاب «شرح التلقین»، که به سال 368 یا 369 هجری قمری تألیف شده (مدرس، 1374، ج 8: 266؛ یاقوت حموی، 1993، ج 1: 470-71)، عبدالواحد بن علی ابوالطیب العسکری متوفی 351 هـ. ق (طباخ، 1408، ج 4: 38) و ابوبکر محمد بن علی العسکری ملقب به مبرمان متوفی به سال 326 یا 327 هـ. ق اشاره کرد (فقطی، 1424، ج 3: 189؛ ابن عماد، 1406، ج 4: 142؛ ابن قاضی، 1428: 134).

آنچنانکه که پیشتر آمد، عبدالله بن میمون قداح که از بزرگان اسماعیلیه (رشیدالدین فضل‌الله، 1381: 6) و در واقع نخستین رهبر آنان پس از محمد بن اسماعیل بود (Daftari, 2008^b: 179)، مدتی در عسکر مکرّم اقامت گزید و به گسترش آرای اسماعیلیه پرداخت؛² به گونه‌ای که پس از چندی، مردم بسیاری به پیروی از وی برآمدند (مقریزی، 1418،

ج 2: 268 (Daftari, 2007: 100). او چندی بعد به دلیل خشم شیعیان و معتزله، به ناچار از عسکر مکرّم گریخت (Daftari, 2000: 45; Halm, 1982: 182).

افول عسکر مکرّم

هیچ یک از منابع تاریخی و جغرافیایی به زمان افول عسکر مکرّم و یا رخدادی که به گونه‌ای با فروپاشی این شهر در ارتباط باشد، اشاره‌ای ندارند.³ بنابر نوشته‌ی مستوفی (1362: 112) و نیز حافظ ابرو (1375، ج 2: 96)، شهر در قرون 8 و 9 هـ. رونق داشته است. پس از این دوران، در هیچ یک از تواریخ، سفرنامه‌ها و کتب دوران صفوی و سلسله‌های پس از آن، نامی از عسکر مکرّم به عنوان شهری زنده به میان نیامده، چنانکه مجدی (1362: 789) در ابتدای سده 11 هـ. و نویسندگان پس از دوره‌ی صفویه و دوره‌ی قاجار عسکر مکرّم را ویران توصیف کرده‌اند (برای نمونه نک. جزائری، 1343: 23 جزائری، 1363: 61، اعتماد السلطنه، 1366، ج 1: 707؛ نجم الدوله، 1386: 72). اشارات بروسوی به عسکر مکرّم در سده‌ی 10 هـ. (پایان تألیف کتاب در 980 ق.) نیز به طور کامل از نوشته‌های ابوالفداء (متوفی 732 ق.) نسخه‌برداری شده⁴ و از همین رو در شناخت تاریخ متروک شدن عسکر مکرّم قابل استناد نیست (بروسوی، 2008: 470-71؛ بسنجید با: ابوالفداء، 1840: 317). در عین حال، سکه‌های آل جلائیر ضرب عسکر مکرّم به سال‌های 772 و 777 هـ. ق، که پیش از این به آن‌ها اشاره شد، روشن‌ترین شواهدی است که از حیات و اهمیت عسکر مکرّم دست‌کم تا ربع چهارم قرن هشتم هجری قمری حکایت دارند. مجموعه‌ی این شواهد نشان می‌دهند که عسکر مکرّم احتمالاً در نیمه‌ی دوم سده‌ی نهم هجری متروک شده است. شواهد باستان‌شناختی شامل سفالینه‌های نمونه‌برداری شده از سطح تپه‌های شهر که هیچ‌یک به سده‌های متأخر اسلامی تعلق ندارند (نک: سلیمانی، 1384: 303) نیز نشان می‌دهد که شهر عسکر مکرّم بیش از دوران صفویه متروک شده است؛ افزون بر این، هیچ‌یک از دیگر استقرارهای شناسایی شده در دشت میاناب شوشتر (حدفاصل دو رود گرگر و شطیط) نیز از سده‌های میانی اسلامی جدیدتر نیستند (نک: مقدم، 1384: 3-430 و 5-434، جدول‌های 11 و 12). از این رو به نظر می‌رسد که دلیل فروپاشی کلیه‌ی استقرارهای دشت میاناب در اواخر سده‌های میانی اسلامی عاملی مشترک

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم بر اساس ... _____ مرتضی عطایی و همکاران

بوده است. شواهد امر، نشان می‌دهد که دلیل اضمحلال و متروک شدن عسکر مکرّم را باید در عوامل اکولوژیکی و به‌ویژه در ارتباط با رود گرگر و مسئله‌ی آب جست‌وجو کرد. به‌نظر می‌رسد که در اواخر سده‌های میانی اسلامی، نهر گرگر (مسرّقان تاریخی) و سیستم آبیاری آن روبه‌افول نهاده است. مستوفی در سده‌ی هشتم برای نخستین‌بار اشاره می‌کند که نهر مسرّقان (دودانگه)، همچون وضعیت امروزی، در نزدیکی لشکر (عسکر مکرّم) به شاخه‌ی اصلی رود تستر (چهاردانگه) می‌پیوندد (مستوفی، 1362: 215). در حالی که از سده‌ی سوم تا سده‌ی 7 هـ. ق، دیگر نویسندگان به‌روشنی به ادامه‌ی مسیر مسرّقان دست‌کم تا اهواز و یا گاه به‌طور مستقل تا دریا تأکید می‌کنند (برای نمونه نک: سهراب، 1376: 230؛ ابن رسته، 1892: 91؛ جیهانی، 1368: 104؛ ابن خردادبه، 1889: 176؛ شریف ادریسی، 1409، ج 1: 393؛ یاقوت حموی، 1995، ج 1: 284). اگرچه شواهد برای اظهار نظر قطعی پیرامون دلیل این تغییر مسیر کافی به‌نظر نمی‌رسند با این حال این رویداد به‌علت اختلاف سطح موجود میان دو رودخانه، به سبب برش عمیق (گاه حدود ده متر) در مسیر رود گرگر منجر گردید شد (شکل 6). این برش در سطح دشت، که در بیشتر مسیر گرگر رخ داده بود. باعث کاهش سطح آب این رود شده و کانال‌های آبیاری متصل به آن را که کلیه سطح دشت میاناب را آبیاری می‌کردند به‌طور کامل از منبع خود جدا ساخته است؛ بدین‌شکل به‌تدریج سیستم آبیاری گرگر (مسرّقان) و دشت میاناب فروپاشید و اقتصاد مبتنی بر کشاورزی این منطقه، به‌شدت تنزل یافت (Alizadeh et al., 2004: 82؛ امام شوشتری، 1331: 127). این مشکل می‌تواند با ضعف مدیریت سیستم‌های آبی منطقه و استهلاک و مرمت نشدن سدها و نیز تأسیسات محل جداشدن نهر از شاخه‌ی غربی کارون که به افت سطح آب شاخه‌ی شرقی (گرگر) منجر می‌شد، تشدید شده باشد. چنانکه روالینسون چندین سده بعد به کاهش میزان آب هدایت‌شده به نهر گرگر از یک‌سوم به یک‌پنجم، به‌سبب خرابی سدها خبر می‌دهد (Rawlinson, 1839: 75).

به‌نظر می‌رسد، مجموعه‌ی این عوامل، سبب شده تا آب رودخانه بر دشت سوار نشود و زمین‌های کشاورزی، استقرارها و مزارع اطراف نهر مسرّقان به‌سبب اختلاف ارتفاع زیاد سطح آب و دشت با مشکل تأمین آب مواجه شوند. افضل الملک (1361: 302) در کتاب خود *افضل التواریخ* از عهد قاجار به‌همین نکته اشاره کرده و دلیل عمده‌ی خرابی‌های خوزستان و شهرهایی چون عسکر مکرّم را پایین نشستن آب رودخانه‌ها و آبیاری نشدن مزارع دانسته است.

به نظر می‌رسد که عسکر مکرّم در اواخر سده‌های میانی اسلامی به دلیل افول و فروپاشی سیستم آبیاری منطقه که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی آن را به شدت تحت تأثیر قرار می‌داده، روبه افول نهاده و احتمالاً در سده نهم هجری قمری به طور کامل متروک شده است.

نتیجه‌گیری

مجموعه شواهد تاریخی درباره‌ی بنیان شهر عسکر مکرّم در دوره‌ی اسلامی نشان می‌دهد که این شهر، احتمالاً در دهه‌ی پایانی سده‌ی نخست هجری قمری در پی گسترش محل اردوی نظامی مکرّم بن مطرف و یا مکرّم بن فزر، غلام حجاج بن یوسف ثقفی، در محل قریه یا شهر کوچک ساسانی رستم قباد (رستقباد) ایجاد شده و از همین رو عسکر مکرّم نام گرفته است. این شهر بزرگ دوران اسلامی که مرکز کوره‌ای با همین نام به‌شمار می‌رفته بر دو کرانه‌ی نهر مسرقان (گرگر امروزمین) گسترده شده و بخش‌های غربی و شرقی آن به‌وسیله‌ی پل‌هایی با یکدیگر ارتباط می‌یافته است. به نظر می‌رسد که این شهر، برج و باروی مستحکم نداشته و حصار آبی شامل رودهای مسرقان و شوشتر (شاخه‌ی اصلی کارون) سپر دفاعی شهر را تشکیل می‌دادند؛ از همین رو بناهای مهم شهر، از جمله مسجد جامع و بیشتر بازارها به‌واسطه‌ی امنیت بیشتر بخش غربی، در این بخش جای گرفته بودند و بخش صنعتی بر کرانه‌ی شرقی شهر قرار داشته است. عسکر مکرّم از جایگاه علمی برجسته‌ای برخوردار بوده و دانشمندان متعددی به این شهر منصوب‌اند. این شهر، یکی از نخستین پایگاه‌های تبلیغات اسماعیلیان به‌شمار می‌رود و معتزله نیز در این شهر فعالیت چشم‌گیری داشته‌اند. کشاورزی، بازرگانی و صنعت نیز در عسکر مکرّم و حومه‌ی آن رونق فراوان داشته است. نیشکر محصول عمده‌ی این ناحیه را تشکیل می‌داده و منسوجات نفیس از مهم‌ترین تولیدات عسکر مکرّم و نواحی مجاور آن بوده است. وجود ضراب‌خانه‌ای که تا اواخر سده‌ی 8 هـ. ق فعال بوده نیز نشان از اهمیت سیاسی و اقتصادی شهر و کوره‌ی عسکر مکرّم در سده‌های اولیه و میانی اسلامی است. به نظر می‌رسد که این شهر؛ به دلیل افول تدریجی سیستم آبیاری دشت و فروپاشی اقتصاد مبتنی بر کشاورزی منطقه در اواخر سده‌های میانی اسلامی راه زوال پیموده و در سده نهم هجری قمری متروک شده است.

پی‌نوشت

1. نخستین بار در سال 1842 میلادی، هنری لایارد به همراه سلبی در این مکان به بررسی پرداخته، آن را به دوره‌های کیانیان، ساسانیان و دوره‌ی اسلامی متعلق دانسته و آن را بقایای شهر عسکر مکرّم تشخیص داده است (Layard, 1846: 63-64, 95-96; Id., 1887: 29; Selby, 1844: 228). کرزن نیز از این محوطه وسیع بازدید کرده و به پیروی از لایارد آن را بازمانده عسکر مکرّم دانسته است (Curzon, 1892: 359). پس از آن و در طی بررسی و شناسایی منطقه‌ی میاناب شوشتر به سرپرستی عباس مقدم در سال 1380، بخش غربی شهر به اجمال بررسی و معرفی شده و در گزارش منتشر شده، این مکان به دوره‌ی هخامنشی و سده‌های میانی اسلامی (مقدم، 1384: 101) و در مقاله‌ای دیگر به سده‌های اولیه و میانی اسلامی منسوب شده است (Moghadam & Miri, 2003: 135, Tab. 1). تعیین حریم بخش غربی عسکر مکرّم به سرپرستی محمود میراسکندری در تابستان 1390 نیز آخرین فعالیت باستان‌شناختی انجام‌شده در عسکر مکرّم است (میراسکندری، 1390).
2. درباره‌ی شخصیت عبدالله میمون قداح، زمان حیات او و انتساب تأسیس و گسترش ایده‌های اسماعیلی به وی تردیدهای فراوانی وجود دارد. برای مطالعه‌ی بیشتر در این زمینه نک. (عظیم‌زاده طهرانی، 1382؛ ثبوت، 1378).
3. مجدی (1362: 789)، تنها نویسنده‌ای است که وجود عقرب بسیار در عسکر مکرّم را عامل خرابی این شهر ذکر کرده که به‌عنوان دلیل اصلی ترک شهر، دور از واقعیت به‌نظر می‌رسد.
4. درواقع، کتاب «وضح المسالک الی معرفه البلدان و الممالک» بروسوی، خلاصه و تصفیه‌ای است از «تقویم البلدان» ابوالفداء (نک. کراچوفسکی، 1379: 309).

منابع

- ابن اثیر، علی‌بن محمد (1371). تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ج 12، 18، 20، 22. ترجمه‌ی عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: مؤسسه‌ی مطبوعات علمی.
- ابن اثیر، علی بن محمد (1414)، اللباب فی تهذیب الانساب، ج 2، بیروت: دارالصادر.
- ابن الوردی، عمرین مظفر (2008). خریدہ العجائب و فریدہ الغرائب، تحقیق انور محمود زناتی، قاهره: مکتبه الثقافه الدینیہ.

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (1412). **المنتظم فی تاریخ الامم و الملوك**، ج 14، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد (1938). **صوره الارض**، ج 2، بیروت: دارالصادر، افسس لیدن.
- ابن خردادبه، عبیدالله (1889). **المسالك و الممالک**، بیروت: دارالصادر، افسس لیدن.
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (1363). **العبر: تاریخ ابن خلدون**، ج 2، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- ابن رسته، احمد بن عمر (1892). **اعلاق النفیسه**، تصحیح دخویه، بیروت: دارالصادر، افسس لیدن.
- ابن طاووس، علی بن موسی (1416). **التشریف باليمن فی التعریف بالفتن معروف بالملاحم و الفتن**، قم: مؤسسه صاحب الأمر.
- ابن عبدالحق بغدادی، عبد المؤمن (1412). **مراصد الاطلاع علی اسماء الامکنه و البقاع**، ج 1، تحقیق و تعلیق علی محمد البجاوی، بیروت: دارالجلیل.
- ابن عماد، عبدالحی بن احمد (1406). **شذرات الذهب فی اخبار من ذهب**، ج 4، تحقیق محمود الارناؤوط، دمشق و بیروت: دار ابن کثیر.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق (1416). **البلدان**، بیروت: عالم الکتب.
- ابن قاضی شهبه، احمد بن محمد (1428). **تراجم طبقات النحاه و اللغویین و المفسرین و الفقهاء**، تحقیق محسن غیاض، بیروت: دارالعربیة للموسوعات.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (1407). **البدایه و النهایه**، ج 11، بیروت: دارالفکر.
- ابن مسکویه، احمد بن محمد (1379). **تجارب الامم**، ج 5، به کوشش ابوالقاسم امامی، تهران: سروش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (1381). **الفهرست**، ج 1، ترجمه ی محمدرضا تجدد، تهران: انتشارات اساطیر.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی (1840). **تقویم البلدان**، تصحیح رینود و ماک کوکین دیسلان، پاریس: دارالطباعه السلطانیه.

- بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم بر اساس ... _____ مرتضی عطایی و همکاران
- ازدی، یزید بن محمد (1427). **تاریخ الموصل**، ج 2، تحقیق احمد عبدالله محمود، بیروت: دارالکتب العلمیه.
 - اسفرائینی، ابوالمظفر (1419). **التبصیر فی الدین و تمییز الفرقه الناجیه عن الفرقه الهالکین**، تعلیق محمد زاهد کوثری، قاهره: المکتبه الأزهریه للتراث.
 - اصطخری، ابواسحاق (2004). **مسالك الممالک**، بیروت: دارالصادر، افست لیدن.
 - اعتماد السلطنه، محمد حسن (1366). **مرآت البلدان**، ج 1، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
 - اعتماد السلطنه، محمد حسن بن علی (1367). **تاریخ منتظم ناصری**، ج 1، به کوشش محمد اسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.
 - افضل الملک، غلامحسین (1361). **افضل التواریخ**، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران.
 - امام شوشتری، محمد علی (1331). **تاریخ جغرافیائی خوزستان**، تهران: امیرکبیر.
 - امین، سید محسن (1406). **أعیان الشیعه**، ج 3، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
 - انصاری دمشقی، محمد بن ابی طالب (1382). **نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر**، ترجمه ی حمید طبیبیان، تهران: انتشارات اساطیر.
 - باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (1383). **یعقوب لیث**، تهران: نشر علم.
 - بروسوی، محمد بن علی (2008). **اوضح المسالک الی معرفه البلدان و الممالک**، تصحیح مهدی عبدالرواضیه، بیروت: دارالغرب الاسلامی.
 - بغدادی، عبدالقادر (1408). **الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه منهم**، بیروت: دارالجمیل - دارالآفاق.
 - بغدادی، عبدالقادر (1992). **الملل و النحل**، تحقیق بیر نصری، طبعه الثالثه، بیروت: دارالمشرق.
 - بلاذری، احمد بن یحیی (1337). **فتوح البلدان**، ج 2، ترجمه ی دکتر محمد توکل، تهران: نشر نقره.

- بلاذری، احمد بن یحیی (1417). کتاب *جمل من انساب الأشراف*، ج 8. تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت: دارالفکر.
- تتوی، احمد بن نصرالله و قزوینی، آصف خان (1382). *تاریخ الفی (تاریخ هزار ساله اسلام)*، ج 2 به کوشش غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- تنوخی، محسن (1975)، *الفرج بعد الشده*، ج 4 به کوشش عبود شالچی، بیروت: دارالصادر.
- ثبوت، اکبر (1378). عبدالله بن میمون و اسماعیلیان، «مجله هفت آسمان»، بهار 1378، شماره 1، صص 104 - 121.
- ثعالبی، عبدالملک بن محمد (1867). *لطایف المعارف*، تحقیق دی یونگ، لیدن: بریل.
- جزائری، عبدالطیف بن ابی طالب (1363). *تحفه العالم و ذیل التحفه*، به کوشش صمد موحد، تهران: کتابفروشی طهوری.
- جزائری، عبدالله بن نورالدین (1343)، *تذکره شوشتر*، به کوشش خان بهادر مولی بخش و محمد هدایت حسین، کلکته: بییتس مشن پریس.
- جلیزوی، محمد، عظیمی، فریده، شکبیا، علیرضا (1388). «تهیه نقشه اقلیمی استان خوزستان با استفاده از GIS، ششمین همایش و نمایشگاه سامانه‌ی اطلاعات مکانی GIS»، تهران: سازمان نقشه‌برداری کشور.
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (1368)، *اشکال العالم*، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، به کوشش فیروز منصوری، مشهد: به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی).
- حافظ ابرو، عبدالله بن لطف‌الله (1375). *جغرافیای حافظ ابرو*، جلد 2 به کوشش صادق سجادی، تهران: میراث مکتوب.
- *حدود العالم من المشرق الی المغرب* (1362). به کوشش منوچهر ستوده، تهران: کتابخانه‌ی طهوری.
- حسینی فسایی، حسن بن حسن (1382). *فارسنامه‌ی ناصری*، ج 1، به کوشش منصور رستگار فسایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس ... _____ مرتضی عطایی و همکاران
- حمزه الاصفهانی (1961). تاریخ سنی الارض و الانبیاء، بیروت: منشورات دار مکتبه الحیاه.
- حمیری، ابوسعید بن نشوان (1972). حورالعین، تحقیق و تعلیق از کمال مصطفی، تهران: اعادات.
- حمیری، محمد ابن عبدالمنعم (1984). الروض المعطار فی خبر الاقطار، بیروت: مکتبه لبنان.
- رجبی، سید صفر (1371)، راه‌های خوزستان در نخستین قرون اسلامی، اثر، شماره 22 و 23، بهار و تابستان 1373، صص 208-212.
- رشیدالدین فضل‌الله (1381). جامع التواریخ (اسماعیلیان و فاطمیان و تراریان و داعیان و رفیقان)، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه و محمد مدرس، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرکلی، خیرالدین (1989). الاعلام: قاموس تراجم لأشهر الرجال و النساء من العرب و المستشرقین، ج 2، 6، طبعه الثامن، بیروت: دارالعلم للملایین.
- سرفراز، علی اکبر، آوزمانی، فریدون (1383). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
- سلیمانی، شهربانو (1384). توصیف و طبقه‌بندی سفال‌های دوره‌ی اسلامی میاناب، در: بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، سلسله گزارش‌های باستان‌شناختی (8)، به کوشش عباس مقدم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (1382). الأنساب، ج 3، 7، تحقیق عبدالرحمن بن یحیی المعلمی الیمانی، حیدرآباد: مجلس دائره‌المعارف العثمانیه.
- سهراب (1376). عجایب الاقالیم السبعه الی نهایه العماره، ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران: پژوهشکده‌ی فرهنگ و هنر اسلامی.
- شریف‌الادریسی، محمد بن محمد (1409)، نزهه المشتاق فی اختراق الآفاق، ج 1، بیروت: عالم الکتب.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 6، شماره 3، پاییز و زمستان 1393

- صادقی، مصطفی (1383). «خطبه البیان و خطبه‌های منسوب به امیرمؤمنان (ع)»، مجله‌ی علوم حدیث، پاییز 1383، صص 49 - 82.
- صدر، محمد (1384). تاریخ پس از ظهور، ترجمه‌ی حسن سجادی‌پور، تهران: موعود عصر (عج).
- صفری آق‌قلعه، علی (1388). «بررسی واژه جسر و توصیف جسر بغداد»، گزارش میراث، شماره 31، فروردین و اردیبهشت 1388، صص 4-10.
- طباح، محمد راغب (1408). اعلام النبلاء بتاریخ حلب الشهباء، ج 4، تصحیح محمد کمال، طبعه الثانیه، حلب: دارالقلم العربی.
- طبری، محمدبن جریر (1375). تاریخ طبری، ج 5، 8، 9، 12، ترجمه و تصحیح ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات اساطیر.
- طوسی، محمدبن محمود (1345). عجایب المخلوقات، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- عظیم‌زاده طهرانی، طاهره (1382). عبدالله بن میمون، مجله‌ی مشکوه، تابستان 1382، شماره‌ی 79، صص 123-138.
- عقیلی، عبدالله (1377). دارالضربهای ایران در دوره اسلامی، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- قدامه‌بن جعفر (1981). الخراج و الصناعه الکتابه، بغداد: دارالرشید للنشر.
- قزوینی، زکریا بن محمد (1371). آثارالبلاد و اخبار العباد، ج 1، ترجمه محمد مراد بن عبدالرحمان، به کوشش محمد شاهمرادی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قفطی، علی بن یوسف (1424). انباه الرواه علی انباه النجاه، ج 3، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: مکتبه العصریه.
- کراچوفسکی، ا. ی. (1379). تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در جهان اسلامی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجدی، محمد بن ابی طالب (1362). زینت المجالس، تهران: سنایی.

- بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم بر اساس ... _____ مرتضی عطایی و همکاران
- **مجله التواریخ و القصص (1378)**، به کوشش نجم‌الدین سیف‌آبادی و زیگفرد ویر، آلمان: دومونده نیکار هوزن.
- محمدی ملایری، محمد (1379). **تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی**، ج 2، تهران: انتشارات توس.
- مخبر، محمد علی (1331). **جغرافیای تاریخی مسرقان**، مجله یغما، شماره 46، فروردین 1331، صص 20-23.
- مدرس، محمد علی (1374)، **ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب**، ج 8، تهران: خیام.
- مستوفی، حمدالله (1362). **نزهت القلوب**، به اهتمام گای لسترانج، تهران: دنیای کتاب.
- مشکور، محمد جواد (1372)، **فرهنگ فرق اسلامی**، چاپ دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مقدسی، محمدبن احمد (1411). **احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم**، طبعه الثالثه، قاهره: مکتبه مدبولی.
- مقدسی، مطهر بن طاهر (1350). **آفرینش و تاریخ**، ج 4، ترجمه‌ی محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- مقدم، عباس (1384). «بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر»، سلسله گزارش‌های باستان‌شناختی (8)، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، پژوهشکده‌ی باستان‌شناسی.
- مقریزی، تقی‌الدین ابوالعباس (1418). **المواعظ و الاعتبار بذکر الخط و الآثار**، ج 2، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- مهلبی، حسن بن احمد (2006)، **الکتاب العزیزی او المسالک و الممالک**، دمشق: التکوین للطباعه و النشر و التوزیع.
- میراسکندری، محمود (1390). **گزارش گمانه‌زنی برای تعیین حریم بخش غربی محوطه عسکر مکرّم / جلیعه (KS-1622) شوشتر - خوزستان**، آرشیو میراث فرهنگی خوزستان، (منتشر نشده).

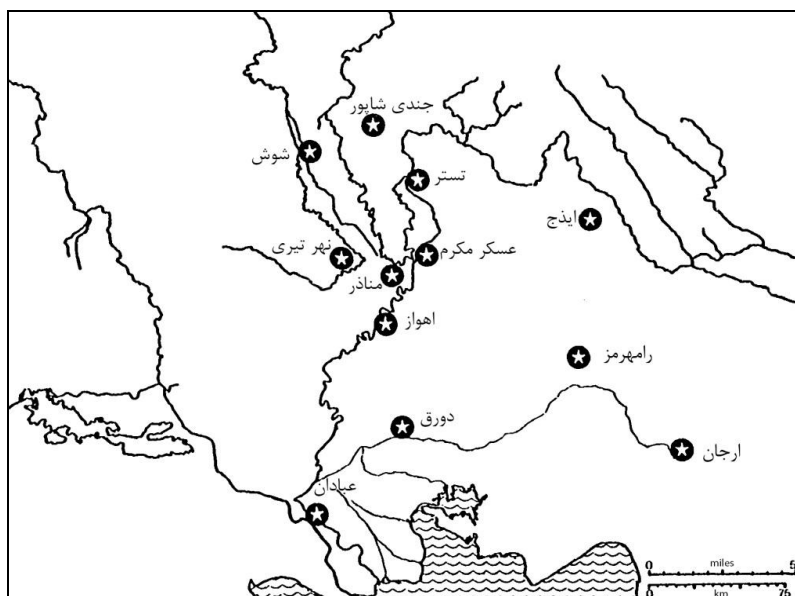
- نجم‌الدوله، عبدالغفار بن علی محمد (1386). سفرنامه‌ی دوم نجم‌الدوله به خوزستان، به کوشش احمد کتابی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- همدانی، محمد بن عبدالملک (1958). تکمله تاریخ الطبری، تحقیق البرت یوسف کنعان، بیروت: المطبعة الكاثولیکیه.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (1362). برگزیده‌ی مشترک، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (1993). معجم الادباء: ارشاد الاریب الیمعرفه الادیب، ج 1، تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالغرب اسلامی.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (1995). معجم البلدان، ج 1، 2، 3، 4، چاپ دوم، بیروت: دارالصادر.
- یزدی حائری، علی (1422). إلزام الناصب فی إثبات الحججه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج 2، تحقیق سیدعلی عاشور، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
- یمانی، مجتبی، کرمی، فریبا (1389). «فرآیندهای غالب در تشکیل و تحول مورفولوژی توده‌های ماسه‌ای جلگه خوزستان» (مطالعه‌ی موردی: ریگ شمال اهواز)، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره‌ی دوم، زمستان 1389، صص 25-42.
- Album, Stephen (2008), Cataloge 236, August 2008, From: www.stevealbum.com/pdfs/236.pdf
- Album, Stephen (2012), Cataloge 270, October 2012, From: www.stevealbum.com/pdfs/270.pdf
- Album, Stephen (2013), Stephen Alnum Rare Coins, Auction 17, September 2013, From: www.stevealbum.com/pdfs/auc17web.pdf
- Alizadeh, A., Kouchoukos, N., Wilkinson, T.J, Bauer, A.M, mashkour, M. (2004), Human-Environment Interactions on the Upper Khuzestan Plains, Southwest Iran. Recent Investigations, Paléorient. 2004, Vol. 30 N°1, pp. 69-88.
- Azarnoosh, A., Negahban, F. (2009), Abu Hilal Al-Askari, In: Encyclopedia Islamica, Vol. II, Wilferd Madelung and Farhad Daftary (ed.), Leiden: Brill, pp. 144-145.

- Bosworth, C. B (1987), Askar Mokram, In: Encyclopedia Iranica, Vol. II, Fasc. 7, Ehsan Yarshater (ed.), London and New York: Routledge & Kegan Paul, p. 768.
- Baldwin's Islamic coin auction 12 (2007), From: www.baldwin.co.uk/media/cms/auction-archive/auction-ica12/BALDWIN%20ISLAMIC%20Auction%2012.pdf
- Codrington, O. (1904), A Manual of Musalman Numismatics, London: The Royal Asiatic Society.
- Curzon, G. N. (1892), Persia and the Persian Question, Vol. II, London: Longmans, Green and Co.
- Daftari, F. (2000), The Medieval Isma'ilis of the Iranian Lands, In: Studies in Honour of Clifford Edmund Bosworth, Volume II: The Sultan's Turret: Studies in Persian and Turkish Culture, C. Hillenbrand (ed.), Leiden, Boston, Koln: Brill, pp. 43-81.
- Daftari, F. (2007), The Ismailis: Their History and Doctrines, Second Edition, Cambridge: Cambridge University Press.
- Daftari, F. (2008)^a, Ismailism: i. Ismaili Studies, In: Encyclopedia Iranica, Vol. XIV, Fasc. 2, Ehsan Yarshater (ed.), New York: Encyclopaedia Iranica Foundation, pp. 172-176.
- Daftari, F. (2008)^b, Ismailism: iii. Ismaili History, In: Encyclopedia Iranica, Vol. XIV, Fasc. 2, Ehsan Yarshater (ed.), New York: Encyclopaedia Iranica Foundation, pp. 178-195.
- Halm, H. (1982), Abdallah b. Maymun Al-Qaddah, In: Encyclopedia Iranica, Vol. I, Fasc. 2, Ehsan Yarshater (ed.), London and New York: Routledge & Kegan Paul, pp. 182-183.
- Halm, H. (1996), The empire of the Mahdi: the rise of the Fatimids, Translated from the German by M. Bonner, Leiden, New York, Koln: Brill.

- Heemskerck, M. T. (2000), *Suffering in the Mu'tazilite Theology: ¶ Abd Al-jabbār's Teaching on Pain Divine justice*, Leiden: Brill.
- Lane-Poole (1876), *The coins of the Mohammadan dynasties in British museum, Catalogue of oriental coins in the British museum, Vol. II*, R. Stuart Poole (ed.), London.
- Layard, A. H. (1846), *A description of the province of Khúzistán*, *Journal of the Geographical Society of London*, Vol. 16, pp. 1-105.
- Layard, A. H. (1887), *Early Adventures in Persia, Susiana, and Babylonia, including a residence among the Bakhtiyari and other wild tribes before the discovery of Nineveh*, Vol. 2, London.
- McNair, J. B. (1927), *Sugar and Sugar-Making*, Chicago:Field Museum of Natural History.
- Miles, G. C. (2007), *Numismatics*, In: *The Cambridge History of Iran, Volume 4: The Period from The Arab Invasion to the Saljuqs*, R. N. Frye (ed.), Fifth printing, Cambridge: Cambridge University Press, pp. 364-377.
- Milwright, M. (2010), *An Introduction to Islamic Archaeology*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Moghadam, A, Miri, N. (2003), *Archaeological Research in the Mianab Plain of Lowland Susiana, South-Western Iran, Iran*, Vol. XLI, pp. 99-137.
- Pyne, N. M. (1982), *The Impact of the Seljuq Invasion of Khuzestan: an Inquiry into the Historical, Geographical, Numismatic, and Archaeological Evidence*, Doctoral Dissertation, University of Washington.
- Rawlinson, H. (1839), *Notes on a march from Zohab, at the foot of the Zagros, along the mountains to Khúzistán (Susiana) and from thence through the province of Luristan to Kirmânshàh, in the year 1836*, *Journal of the Royal Geographical Society of London*, Vol. 9, pp. 26- 116.

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس ... مرتضی عطایی و همکاران

- Schmidtke, S. (2008), Jobba'i, In: Encyclopedia Iranica, Vol. XIV, Fasc. 6, Ehsan Yarshater (ed.), New York: Encyclopaedia Iranica Foundation, pp. 666-672.
- Selby, W. B. (1844), Account of the Ascent of the Kárún and Dizful Rivers and the Ab-i-Gargar Canal to Shuster, Journal of the Royal Geographical Society of London, Vol. 14, pp. 219-246.
- Streck, M. & Lockhart, L. (1986), Askar Mukram, In: Encyclopaedia of Islam, Vol. I, Leiden: Brill, p. 711.
- Watt, W. M. (1987), Askari, Abu Helal, In: Encyclopedia Iranica, Vol. II, Fasc. 7, Ehsan Yarshater (ed.), London and New York: Routledge & Kegan Paul, pp. 768-769.
- Wilkes, Tim (2010), List 8, Spring 2010, From: www.wilkescoins.com/index_files/List8.pdf.



نقشه 1، شهرهای خوزستان قدیم (مأخذ: Pyne, 1982: 218, Fig. 40)



شکل 1، محدوده تقریبی عسکر مکرم



شکل 2، بقایای پایه آجری یکی از پل‌های عسکر مکرم بر کرانه غربی رود گرگر (عکس از نگارندگان)

بازشناسی شهر تاریخی عسکر مکرّم براساس ... _____ مرتضی عطایی و همکاران



شکل 3، بقایای پایه آجری یکی از پل‌های عسکر مکرّم بر کرانه شرقی رود گرگر (عکس از نگارندگان)



شکل 4، دینار ضرب عسکر مکرّم، 516 هجری قمری مأخذ:

(Buldwins Islamic coin action 12, 2007: no. 3592)



شکل 5، دینار ضرب عسکر مکرّم، 548 هجری قمری مأخذ:

(http://db.stevealbum.com/php/lot_auc.php?site=1&sale=17&lot=540&cust=0)



شکل 6. سکه ضرب عسکر مکرم، 772 هجری قمری مأخذ:
(<http://db.stevealbum.com/php/search2c.php?item=135435>)



شکل 7. برش‌های عمیق ایجاد شده در کرانه‌های گرگر و اختلاف سطح آب با زمین‌های مجاور
(عکس از نگارندگان)